

آیسلند و رد ریاضت اقتصادی

نوشته سلیم لمرانی، برگرفته از تارنمای شبکه ولتر، برگردان از زبان فرانسوی: و. خورمن

اتحادیه اروپا امروز در برابر انتخاب برنامه ریاضت در مبارزه بر ضد بحران اقتصادی قرار دارد، اما همزمان طرح نجات بانک های خصوصی که نظر به عدم مدیریت درست شان، امکان فروپاشی آنها وجود داشت، با استفاده از وجوه مالیات مردم را روی دست گرفته است. آیا به واقعیت این یگانه راه ممکن بیرون رفت است؟ سلیم لمرانی نمونه آیسلند، مثالی که مطبوعات و عاملین سیستم جادویی مالیاتی اروپا در مورد علاقمند خاموشی اند، را انتخاب نموده است.

۱۸ اکتوبر ۲۰۱۲ | پاریس (فرانسه) | شبکه ولتر



۶ مارچ ۲۰۱۰، ۹۳ در صد شهروندان آیسلند در رفراندومی شرکت جستند که پس پرداخت در حدود چهار میلیارد دلار پول زیر نام قروض انبار شده توسط بانک های آیسلندی به بریتانیا و هالند را مردود شمرد.

در برابر بحران اقتصادی، در حالیکه اتحادیه اروپا ریاضت اقتصادی را برگزیده است و تصمیم گرفته تا بانک ها را نجات بخشد، برخلاف آیسلند اقدام به ملی کردن موسسات مالیاتی نموده و ریاضت های بودجوی را رد کرده است. با نرم انکشاف اقتصادی ۲،۷ در صد در سال ۲۰۱۲ حتا صندوق جهانی پول (FMI) که ازین پس با اختصار ص. ج. پ. به کار میرود، م. این بهبود اقتصادی کشور را ستوده است.

زمانیکه در سپتامبر ۲۰۰۸ بحران اقتصادی و مالی به آیسلند (مجموعه یی از جزایر در شمال اروپا با جمعیت ۳۲۰۰۰۰ نفر) سرایت کرد، اثرات آن مانند سایر مناطق اروپا فاجعه بار بود. احتکار مالی، سه بانک عمده کشور را به ورشکستگی سوق داد که دارایی های شان ده برابر تولید ناخالص ملی (ت. ن. م.) با خساره یی خالص ۸۵ میلیارد دلار بالغ میگردد. نرخ بیکاری میان سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ نه برابر بیشتر شد، در حالیکه قبلا در کشور تمام شهروندان بکار اشتغال داشتند. وام آیسلند رقم ۹۰۰ در صد ت. ن. م. را نشان میداد و پول ملی هشتاد در صد ارزش

خود را در مقابل یورو از دست داده بود. با کاهش ۱۱ درصدی در مدت دو سال، کشور در یک بحران عمیق اقتصادی غوطه ور گردیده بود [۱].

در مقابل بحران

در سال ۲۰۰۹، زمانی که حکومت میخواست برنامه ریاضت اقتصادی را، که از جانب ص. ج. پ. در بدل کمک مالی ۲،۱ میلیارد یورو تقاضا شده بود، تطبیق نماید، با یک حرکت نیرومند مردمی ناگزیر به استعفا گردید. در انتخابات قبل از وقت، چپی ها به یک اکثریت مطلق در پارلمان دست یافتند [۲].

با این حال حکومت جدید، قانونی را بنام آیس سیف – نام بانک خصوصی ورشکست شده بی بود که اکثریت مشتریانش اتباع بریتانیایی و هالندی بودند – تصویب کرد تا پس انداز های مشتریان خارجی را ببردازد. این قانون، آیسلندی ها را وادار به تادیه ۳،۵ میلیارد یورو نمود، یعنی (۴۰ درصد ت. ن. م.) – ۹۰۰۰ یورو برای هر شهروند کشور – در مدت پانزده سال با نرخ ۵ درصد. در برابر تظاهرات مردمی، رییس جمهور از تصویب متن پارلمان ابا و ورزیده و آنرا به رای گیری گذاشت. در مارچ ۲۰۱۰، ۹۳ درصد شهروندان آیسلند قانون جبران خساره وارده توسط بانک آیس سیف را رد نمودند. بار دیگر در ماه اپریل سال ۲۰۱۱ این موضوع به رای گیری کشانده شد و یکبار دیگر قاطعانه با ۶۳ درصد آرای مردم آن قانون رد گردید [۳].

در سال ۲۰۱۱ قانون اساسی جدیدی (که شامل نه فصل و ۱۱۴ ماده است) توسط یک شورای ۲۵ نفری، که از میان ۵۲۲ تن شهروندان نامزد انتخاب شده بودند، تدوین گردید. این قانون حق دسترسی به اسناد رسمی دولتی و ارایه معلومات به مردم در این باره (ماده ۱۵)، ایجاد یک کمیته کنترل بر وظایف دولت (ماده ۶۳) و حق مشوره مستقیم (ماده ۶۵) را تضمین مینماید. علاوه بر آن، ۱۰ درصد رای دهنده گان میتوانند در مورد قوانین تصویب شده از جانب پارلمان تقاضای رفراندوم نمایند [۴].

همچنان برخلاف تمام ملتهای دیگر اتحادیه اروپا که در حالت مشابهی قرار دارند و تابع یک به یک سفارش های ص. ج. پ. مبنی بر وضع برنامه های ریاضت شدید اقتصادی – مانند یونان، ایرلند، ایتالیا و یا اسپانیا شدند – آیسلند بدیل دیگری را برگزید. زمانیکه در سال ۲۰۰۸ سه بانک عمده کشور، گلیتینیر، لندس بانکین و کاپتینگ، ورشکست شدند، حکومت آیسلند از دادن وام از وجوه مالیات مردم به آنها (برخلاف کشورهای دیگر اروپایی) ابا و ورزید و آنها را ملی اعلان کرد [۵].

به همین منوال، بانکهای خصوصی ناگزیر بودند تا مطالبات شان را با بهره های غیر ثابتی که بالاتر از ۱۱۰ درصد ارزش دارایی های مسکن بود، فسخ کنند و بدین شکل از بحران وام های بی پشتوانه مانند ایالات متحده جلوگیری نمایند. مزید بر آن، دیوان عالی کشور تمام وام های راجستر شده به اسعار خارجی را غیر قانونی اعلام نمود که به مشتری های معینی اعطا شده بود و بدین وسیله بانک ها را به صرف نظر از وام های شان به سود مردم واداشت [۶].

و در قبال مسوولین این فاجعه – بانکر های محترک که باعث فروپاشی نظام مالی کشور گردیده بودند – ، در مقابل آنها گذشته، مطابق برخورد معمول در متباقی کشورهای اتحادیه اروپا که چنین اشخاص بطور سیستماتیک تیرئه میشدند، صورت نگرفت. در آیسلند این اشخاص مورد پیگرد قانونی قرار گرفته و زیر رهبری آلفور تور هاکسن، رئیس دیوان خاص، تعیین شده از جانب پارلمان، به زندان فرستاده شدند. حتا نخست وزیر گایر هاردی به اتهام سهل انگاری در مدیریت بحران، نتوانست از جریان محکمه به دور بماند [۷].

نخست وزیر سابق آیسلند، گایر هاردی در ماه اپریل سال ۲۰۱۲ از جانب محکمه خاصی به اتهام غفلت در مدیریت بحران مالی، با آنکه مجازات نگردید، مجرم شناخته شد.



بدیل ریاضت اقتصادی

نتایج سیاست اقتصادی و اجتماعی حکومت آیسلند چشمگیر بودند. در حالتی که اتحادیه اروپا در عمق بحران قرار دارد، آیسلند در سال ۲۰۱۱ از نورم رشد اقتصادی ۲،۱ در صد منفعت برد و برای سال جاری ۲۰۱۲ این نورم را ۲،۷ در صد و نرخ بیکاری در نوسان را در حدود ۶ در صد تخمین زده است [۸]. کشور حتا بخود اجازه داد تا قروض خویش را به ص. ج. پ. قبل از میعاد معینه بپردازد [۹].

رییس جمهور آیسلند آلفور گریمن این معجزه اقتصادی را چنین تعریف نمود: «تفاوت در این است که در آیسلند، ما باتکها را گذاشتیم فرو پیاشند. آنها موسسات خصوصی بودند. ما برای نجات شان به آنها پول تزریق نکردیم. دولت مکلف به قبول این مسوولیت نیست» [۱۰].

بر خلاف تمام انتظار ها، ص. ج. پ. این سیاست دولت آیسلند را – تدابیری درست برخلاف آنچه را که این صندوق از آن طرفداری میکند، – یعنی سیاستی که «مدل ارزشمند کشورهای شمال اروپا در خصوص حمایت از جامعه» است، را تهنیت گفت. در حقیقت آیسلند از یک شاخص بسیار بالای انکشاف بشری برخوردار است. «ص. ج. پ. اذعان داشت که برنامه نجات از نوع مدل آیسلند درسهایی آموختنی در خروج از بحران ها است». صندوق علاوه میکند که «این واقعیت که آیسلند موفق به حفظ درست سطح زنده گی اجتماعی خانواده ها و حصول ثبات مالی در سطح کل کشور گردید، یکی از برنامه های عظیم و موفق دولت آیسلند به شمار میروند». به هر حال ص. ج. پ. خاطر نشان ساخت که این نتایج تنها از برکت آن بود که آیسلند شوک درمانی نئولیبرالیزم را نپذیرفت و به جای آن برنامه بدیل آنرا بکار بست که خیلی موثر بود [۱۱].

نمونه آیسلند نشان داد که راه دیگر موثق تری نیز در مقابل سیاست های ریاضت اقتصادی که در سرتاسر اروپا به منصفه اجرا قرار داده شده اند، وجود دارد. این سیاست از لحاظ اقتصادی موثریت لازم را ندارد، از لحاظ سیاسی گران تمام میشود و از لحاظ اجتماعی غیر قابل تحمل است. آیسلند با انتخاب قرارداد منافع همگانی مقدم بر منافع بازار، راه خروجی از این بن بست را نشان داد.

سلیم لمرانی.

این مقال به زبان اولی پرتگالی به آدرس زیر نشر شده است:

<http://operamundi.uol.com.br/conteudo/opiniao/24823/islandia+mostrou+o+caminho+ao+rechacar+a+austeridade.shtml>

[۱] پاول م. پولسن، «چطور آیسلندی که در لبه گرداب قرار داشت، توانست ثبات دوباره یابد»، صندوق جهانی پول، ۲۶ اکتوبر ۲۰۱۱. برگرفته از آن منبع بتاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲

[۲] ماری ژوئل گروس، «آیسلند: خیزش دوباره از یک وام ناپاک»، (روزنامه لیبراسیون. رهایی. م)، ۱۵ اپریل ۲۰۱۲

[۳] کمیته لغو وامهای جهان سوم، «وقتی آیسلند دموکراسی را دوباره احیا میکند»، ۴ دسامبر ۲۰۱۰.

[۴] قانون اساسی آیسلند، ۲۹ جولای ۲۰۱۱. برگرفته ازین منبع بتاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲.

[۵] آنتون گرانه پن، «چطور آیسلند از جهنم بیرون شد»، روزنامه لو پون، ۲۷ فبروری ۲۰۱۲.

[۶] ماری ژوئل گروس، «آیسلند: احیای دوباره از یک وام ناپاک»، همانجا

[۷] کارولین بروونو، «بحران آیسلند: نخست وزیر سابق مجازات نشد»، ۱۳ می ۲۰۱۲.

[۸] امروز ایوانس- پریچارد، «آیسلند در اخیر برنده شد»، روزنامه دیلی تیلیگراف، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۱.

[۹] لو فیگارو، «آیسلند وام های صندوق جهانی پول را پرداخت»، ۱۶ مارچ ۲۰۱۲.

[۱۰] امروز ایوانس- پریچارد، «ایسلند برای آیرلند در مورد ختم بحران یک تجربه بی فریبنده است»، دیلی تیلیگراف، ۸ دسمبر ۲۰۱۰.

[۱۱] عمر ر. والدیمارسن، «صندوق جهانی پول میگوید برنامه نجات از نوع آیسلند، در دوره بحران یک درس است»، نشریه بیزنس ویکنند، ۱۳ آگست ۲۰۱۲.